



پوهنتون سرپل

مجله علمی - تحقیقی ارمان انبیر

سال دوم، شماره دوم (مسلسل چهارم) ۱۴۴۷ هجری قمری

نقش دعوتی سفرهای تجارتي در ممالک غير اسلامي

نامزد پوهنيار مفتي سيفالدين فرقاني و نامزد پوهنيار مولوي عبداللله عثمانی^۱

چکیده

تجارت و دعوت دو واژه کثیرالاستعمال در متون اسلامی است، قرآن کریم و احادیث شریف، از سفرهای متعددی سخن به میان آورده، امت را به سیر و سفر تشویق می‌کند؛ حتی نصوص اسلامی در سفرهای تجارتي، دعوتی، علمی، جهادی، اصلاحی و... نه تنها ترغیب داده است؛ بلکه این سفرها را در صورتی که به نیت‌های نیک راه اندازی شده باشند، جهاد فی سبیل الله دانسته پاداش و امتیازاتی را نیز در نظر گرفته است. با در نظر داشت اهمیت موضوع، دیده می‌شود که تحقیقات درسی احکام مسافر و بقیه مباحث آن، در پرتو کتاب، سنت و فقه اسلامی، در مجامع علمی، به ویژه در درس‌گاه‌های مدارس دینی، یک بحث جدی و معركة الآراء محسوب گردیده است. هم اکنون پرسشی مطرح است؛ که چگونه تاجران، در ضمن سفرهای تجارتي شان، فریضه دعوت را نیز تعقیب کنند؟ پس محقق، در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌یی، پاسخ‌های مدلل ارائه کرده؛ به عنوان نتیجه بحث واضح ساخته است که سفرهای تجارتي وسیله سوم گسترش اسلام در جهان بوده است. اهداف این تحقیق در موارد ذیل خلاصه می‌گردد: اثبات روابط میان سفرهای تجارتي و دعوتی و هم‌چنان تفهیم این که تاجران، تجارت و سفرهای تجارتي را صرف از امور دنیوی ندانند؛ بلکه یک نوع عبادت دانسته بسیار به صداقت و اخلاص مشغول این وظیفه باشند! در اخیر ارشاد شده است که تاجر مسلمان خود را دریابند، مانند اسلاف در گسترش اسلام سهم فعال بگیرند و از دستگیری مستمندان غافل نباشند.

^۱ اعضای کادر علمی دیپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون سرپل.

ایمیل آدرس نویسنده مسئول: aboahmadforqani@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۰۴۴۴۸۱۹۱

کلمات کلیدی: اسلام، تجارت، دعوت، سفر، مسلمان.

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ وَ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ الْخَاتَمِ، وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ الْأَعْظَمِ.

فعالیت‌های تجارته و دعوتی در نظام اسلامی به‌عنوان شاه‌رگ‌های حیات مادی و روحی جامعه، مورد عنایت جدی اسلام قرار گرفته است. بازار وقتی با رونق می‌شود که کاروان‌های تجارته در میان کشورها رفت‌وآمد داشته باشند؛ به همین اساس اسلام سفرهای تجارته را نه‌تنها مجاز دانسته، بلکه تاجران مسلمان را به فعالیت‌های تجارته تشویق نموده و از تنبلی و مفت‌خوری تحذیر کرده است. تحقیق حاضر ثابت خواهد کرد؛ که طبق روایات، برخی انبیای کرام، اصحاب، ائمه عظام و بزرگان دین، عملاً به تجارت تشبثات داشتند و از این مدرک امرار معاش می‌کردند. اگر عاقلی در موضوع دقت کند، می‌داند که سفرهای تاجران مسلمان به‌ویژه در ممالک غیر اسلامی حامل دو نوعی از کالاها خواهد بود؛ می‌توان یکی را به مادی، دیگری را به معنوی تعبیر کرد. متاع و کالای مادی همان اسباب و آلاتی‌اند که به هدف تغذیه و تقویت ابدان استفاده می‌شود. متاع و کالای معنوی در مجموع عبارت از اسلام است که ارواح عالم با او تغذیه و تقویت خواهد شد. چنانچه در نصوص اسلامی، قرآن به روح و جنت به «سلعة غالیة» یعنی جنس و مبیعه گران‌بها، تعبیر شده است «أَلَا إِنَّ سَلْعَةَ اللَّهِ غَالِيَةٌ، أَلَا إِنَّ سَلْعَةَ اللَّهِ الْجَنَّةَ» ترجمه: آگاه باشید که متاع الله تعالی گران‌بهاست. آگاه باشید که متاع الله تعالی جنت است (ترمذی، ج. ۴، ص. ۴۴۴).

گسترش اسلام در جهان، با ذرایع سه‌گانه یعنی: جهاد، دعوت و تاجران مسلمان، تحقق یافته است؛ تاریخ‌نگاران نوشته‌اند: اسلام در بخش وسیعی از جهان به‌ویژه در شبه‌قاره هند، جنوب و جنوب شرق آسیا توسط تاجران مسلمان و از تردد کاروان‌های تجارته، گسترش یافته است. البته قابل تذکر است مناطقی که از مسیر کاروان‌های تجارته بعید بودند، به علماء و صوفیان کرام واگذار گردید که خوشبختانه آنان نیز در نوبت خود احساس مسئولیت کرده، وارد عمل شدند و منطقه باقی‌مانده را با تعلیم و تبلیغ شان فتح کردند. خلاصه اینکه فرهنگ اسلامی ذریعه تاجران مسلمان، در ضمن کالاهای بازرگانی، وارد مجمع‌الجزایر مالایا و جزایر جنوب و جنوب غرب آسیا چون: سیلان، مالدیو، سوماترا و جاوه شده، هیئت اجتماعی منطقه را طوری متحول ساخت که حتی هجوم استعمارگران نیز قادر به تغییر اوضاع دینی آن منطقه نشد. پس سوالی مطرح است که چگونه تاجران مسلمان می‌توانند سفرهای تجارته خویش را سفر دعوتی کرده سعادت دارین را کسب نمایند؟ نویسنده در مقاله حاضر، با اسلوب کتابخانه‌یی، جواب‌های مستند و مدلل در زمینه ارابه خواهد کرد. در لابه‌لای تحقیق ثابت خواهد شد که تجارت فرصت و

بستر مناسب برای دعوت اسلامي بوده و تاجران مسلمان مکلف هستند که در ضمن فعاليت‌های تجاري، تبليغ دين را فراموش نکنند و با اخلاق و تعامل خوب در دعوت عملي سهم فعال بگيرند.

مفهوم شناسي

الف: ماده «سفر» به کشف و وضاحت دلالت می‌کند؛ پس در لغت به معنای قطع مسافت طولاني است؛ طی کننده مسافت را مسافر گفته شده؛ زیرا حالت اخلاقي و سلوکی اشخاص در سفر خوب تر کشف خواهد شد (جرجاني، ص. ۱۵۷) امام غزالي می‌نويسد: در قضيه، عمر رضی الله عنه در مزکی که کسی را تائيد کرد، گفت: گاهی با ایشان هم سفر شده‌ای؟ مزکی جواب داد نخیر! عمر رضی الله عنه گفت فکر نمی‌کنم که درست شناخته باشی؟! بشرحافی می‌گفت: «يا مَعْشَرَ الْقُرَاءِ سَبِّحُوا تَطِيَّبًا فَإِنَّ الْمَاءَ إِذَا سَاحَ طَابَ وَإِذَا طَالَ مَقَامُهُ تَغَيَّرَ» (غزالي، ج. ۲، ص. ۱۷). ترجمه: ای قاریان! سیر کنید تا پاکیزه بمانید، آب را ببینید اگر سيار باشد خوشگوار اما آب راکد فاسد خواهد شد.

ب: سفر در اصطلاح، خارج شدن به نیت طی کردن مسافت شرعی یا بالاتر از آن را گویند (جرجاني، ص. ۱۵۷).

تجارت در آئینه لغت و اصطلاح

علمای لغت، معنای لغوی و اصطلاحی تجارت را در تعریف واحد جمع کرده‌اند. «التَّجَارَةُ فِي اللُّغَةِ وَالْإِصْطِلَاحِ: هِيَ تَقْلِيْبُ الْمَالِ، أَيْ بِالْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ لِعَرَضِ الرِّيحِ» (وزارة الأوقاف و شؤون الإسلاميه، ج. ۱۰، ص. ۱۵۱). ترجمه: به کارگیری سرمایه، با داد و ستد، جهت دستیابی به سود. تجارت در باب اقتصاد اسلامي در پرتو کتاب و سنت و اجماع امت اسلامي، یکی از مشاغل خدماتی است که متضمن توزیع کالاهای توليدي می‌باشد. تاجران کالاهای مورد نیاز مردم را از توليدکنندگان خریداری نموده، به دسترس متقاضیان قرار می‌دهند. قابل یادآوری است که در گذشته توزیع و توليد، هر دو توسط توليدکنندگان صورت می‌گرفت؛ اما در عصر حاضر به خاطر رشد فنآوری و ظهور انقلاب صنعت و ایجاد فاصله میان صنعت و تجارت، مسئولیت تقسیم و توزیع اجناس در بازارها به عهده تاجران گذاشته شد.

دعوت در آئینه لغت

کلمه دعوت، مصدر دعا يدعو از لحاظ لغت به معانی ذیل استعمال شده است:

الف: اصلی‌ترین معنایش مطلق ندا (صدا کردن) است که در آیه شماره (۲) سورة الإسراء به همین مطلب ترجمه شده است. «يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ» ترجمه: روزی که بخواند شما را پس قبول می‌کنید خواندن وی را حمد گویان (کابلی، ج. ۲، ص. ۵۱۵).

ب: طلب خاص (از ادنی به اعلی) که در آیه (۱۸۶) سوره البقرة بدان معنی تفسیر گردیده است. «أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ». ترجمه: اجابت می‌کنم دعای طلب کننده را وقتی که سوالی کنند مرا (کابلی، ج. ۱، ص. ۱۶۰).

ج: احیاناً به معنای «خواستن در حضور» نیز می‌آید چنانچه در مقوله عرب «دعوتُ فلاناً» به همین مطلب اشاره شده است.

د: البته در محاوره عرب، گاهی مطلق دین و مذهب به خاطر مدعوالیه بودنشان، مصداق و محمل کلمه دعوت می‌شوند.

اما در اصطلاح فقهای کرام به معانی زیر آمده است:

الف: دعوت به معنای درخواست دخول در دین و تمسک در آن. در نامه دعوتی پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم که به «هرقل» نوشته بود چنین آمده است: «إِنِّي أَدْعُوكَ بِدِعَايَةِ الْإِسْلَامِ» ترجمه: من ترا به اسلام فرا می‌خوانم (العسقلانی، ج. ۱، ص. ۳۲).

ب: به معنای منادات و طلب حضور به سوی داعی (وزارة الأوقاف و شئون الاسلامیه: ج. ۹، ص. ۱۲۳).

در جوامع بشری با پیشرفت‌های روزافزون فنآوری و افزایش نیازمندی‌ها، هر کسی نمی‌تواند ضروریات خویش را تدارک و تولید کند؛ از این رو دست‌یابی از مردم به تبادل کالاها و خدمات تجارتي پرداخته‌اند. امروز دیده می‌شود که با فراهم شدن امکانات حمل و نقل، در امور تجارتي سهولت زیادی به وجود آمده است. به همین اساس، قرآن کریم بحث تجارت را برجسته ساخته، حتی کاسبی و تجارت را در ردیف جهاد ذکر کرده می‌فرماید: «وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (الْمَزْمَل: ۲۰). ترجمه: و دیگران در زمین به هدف کسب روزی حلال، سفر می‌کنند. و برخی مجاهد فی سبیل الله اند (کابلی، ج. ۳، ص. ۸۷۴). همچنین از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و سلم ایجاد شغل پایدار، کسب و کار و تلاش نمودن برای تأمین هزینه خانواده در فهرست بهترین کارها قرار داده شده است. چنانکه پرسیده شد: یا رسول خدا! صلی الله علیه و سلم کدام کسب و کار بهتراست؟ فرمودند: «عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ وَكُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ» (ابن حنبل، ۲۸، ص. ۵۰۲) ترجمه: یعنی بهترین کار، عمل با دست و هر بیعی که عاری از خیانت باشد. و در روایت دیگر، لقمه‌ای را که بازور بازوها به دست می‌آید، پاکیزه‌ترین رزق خوانده؛ همچنان افزوده است که شیوه سیدنا داود علیه السلام این بوده است: «عَنِ الْمَقْدَامِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ، خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ» (البخاری، ج. ۲، ص. ۷۳۰). ترجمه: هیچ کسی طعامی بهتر، از طعامی که دست آوردش باشد، نخورده است؛ حضرت داود علیه السلام از دست مزدش امرار معاش می‌کرد.

اهميت دعوت در اين است که نخست از همه، الله متعال بشريت را به سوی دارالسلام فراخوانده، وظيفه خطير دعوت را به عهده می‌گيرد و می‌فرمايد: «وَاللّٰهُ يَدْعُوْا اِلَى دَارِ السَّلَامِ» (يُونُس: ۲۵). ترجمه: الله متعال همه‌گان را به سوی جنت فرا می‌خواند.

در مرحله دوم به خاطر پيشبرد اين وظيفه مقدس، انبيای کرام عليهم السلام را استخلاف می‌کند. جهت حل تنازع و تخاصم متوقعه، انبياء عليهم السلام را با صحايف و کتب تقويت کرد. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ اُمَّةٍ رَّسُوْلًا» (النحل: ۳۶). ترجمه: بر هر قومی پيامبر فرستاديم؛ پس آخرين اين دعوتگران الهی، حضرت محمد صلی الله عليه و سلم بود؛ که الله کریم وظيفه مهم دعوت را به ايشان سپرده با لقب «وَدَاعِيًا اِلَى اللّٰهِ يَادُّنُهُ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا» (النحل: ۴۶). نوازش داد. بعد از رحلت جان‌گداز آن حضرت، صحابه، تابعين، بالاخره عموم امت اسلامي به سرپرستی علمای کرام در هر زمان و مکان، اين امانت عظيم (دعوت) را به تمام جوانب آن تا اين دم ادامه داده‌اند و تا قيامت ادامه خواهند داد. سفر نمودن به نيت کسب روزی حلال و رساندن پيام الهی در گوشه و اطراف جهان، عملی است پسندیده که در منابع اسلامي بدان ترغيب شده است.

اقسام و احکام سفر

اسلام به هدف کسب روزی حلال، راه‌های زيادی را فرا روی افراد جامعه قرار داده تا اين که هر کس بنا بر ذوق و استعداد خویش از آنان استفاده کند.

از اين که سفر و سياحت با انگيزه‌های مختلف صورت می‌گيرد؛ برخی از سفرها در اسلام مورد سفارش قرار گرفته است: مانند سفر به نيت شناخت عظمت قدرت الهی، سفر حج، سفر برای کسب علوم، سفر جهت حفظ سرحدات دولت اسلامي؛ اما برخی از سفرها مانند: سفرهای معصيت و بی‌هدف که باعث تضییع اوقات و ثروت شود، در اسلام ممنوع می‌باشد. با در نظر داشت اين موضوع، ابن العربي رحمه الله عليه می‌گويد: علمای کرام بیرون رفتن از خانه را به دو بخش تقسيم کرده‌اند: ترک خانه و سر زمین جهت فرار از چيز خطر، و بیرون شدن به خاطر طلب یک شی؛ پس اول الذکر را هجرت، ثانی الذکر را سفر می‌نامند؛ و از نظر امام قرطبی رحمه الله عليه سفر نه بخش دارد:

➤ سفر عبرت، که در آیات متعدد انسان‌ها تشويق شده‌اند تا در اطراف زمین سفر کنند و از سرنوشت ستمکاران نصيحت بگیرند.

➤ سفر حج؛

➤ سفر جهاد؛

➤ سفر برای کسب حلال؛

- سفر تجارت:
- طلب علم؛
- سفر به نیت زیارت اماکن مقدس؛
- سفر به خاطر حفاظت سرحدات؛
- سفر برای زیارت اقارب و دوستان (القرطبی، ج. ۷، ص. ۶۹).

سفرهای تجارتي در قرآن کریم

حافظ ابن کثیر رحمه الله عليه در تشریح آیه (۱۵) سوره مبارکه ملک می نویسد: «فَسَافِرُوا حَيْثُ شِئْتُمْ مِنْ أَقْطَارِهَا، وَتَرَدُّدُوا فِي أَقَالِيمِهَا وَأَرْجَائِهَا فِي أَنْوَاعِ الْمَكَاسِبِ وَالتِّجَارَاتِ، وَاعْلَمُوا أَنَّ سَعْيَكُمْ لَا يَجْدِي عَلَيْكُمْ شَيْئًا، إِلَّا أَنْ يَبْسُرَهُ اللَّهُ لَكُمْ». ترجمه: پس هر جا که خواستید در گوشه و کنار زمین سفر کنید و در مناطق و نواحی مختلفش برای انواع کسب و کار و تجارت رفت و آمد نمایید، و بدانید که تلاش شما به تنهایی سودی برایتان نمی آورد، مگر آنکه خداوند جل جلاله آن را برای شما آسان و فراهم سازد (الدمشقي، ج. ۴، ص. ۷۵).

سفرهای تجارتي در احاديث نبوی صلی الله عليه و سلم

سیره نگاران به ویژه ابن هشام می نویسد: که پیامبر خدا صلی الله عليه و سلم قبل از بعثت با سرمایه ام المؤمنین خدیجه رضی الله عنها سوی شام سفر تجارتي داشتند؛ که سفر میمون و سودمندی بود (البغدادي، ج. ۲، ص. ۵۰۷). همچنان با سائب بن ابی السائب نیز شریک تجارت بود؛ قبل از فتح مکه سائب آمد، پیامبر صلی الله عليه و سلم با این جمله زیبا استقبال کرد «رحبا باخی و شریکی» (ابن حنبل، ج. ۳، ص. ۴۲۵) ترجمه: برادرم و شریکم خیلی خوش آمدی!

سفر تجارتي در آثار صحابه رضی الله عنهم

«وَمَرَّ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِقَوْمٍ فَقَالَ: مَا أَنْتُمْ؟ قَالُوا مُتَوَكِّلُونَ قَالَ: لَا بَلْ أَنْتُمْ مُتَأَكِّلُونَ، إِنَّمَا الْمُتَوَكِّلُ مَنْ أَلْقَى حَبَّةً فِي الْأَرْضِ، وَتَوَكَّلَ عَلَى رَبِّهِ» (وزارة الأوقاف و شؤون الاسلاميه، ج. ۸، ص. ۱۰۱). ترجمه: روزی عمر رضی الله عنه از کنار گروهی گذشت و پرسید: شما چه کسانی هستید؟ گفتند: ما متوکلین هستیم. فرمود: نه، بلکه شما متاکل (نان خور دیگران) هستید؛ زیرا متوکل واقعی کسی است که دانه ای را در زمین بیفکند و سپس بر پروردگارش توکل کند. عمر رضی الله عنه قومی را که در فهم توکل دچار اشتباه شده بودند، تنبیه نموده آنان را به کار و فعالیت معیشتی هدایت داد. همچنان ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها می فرماید: «كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عُمَّالًا أَنْفُسِهِمْ» (البخاري، ج. ۲، ص. ۷۳۰). ترجمه: یعنی یاران پیامبر زحمتکش و فعال بودند.

تجارت در خاندان پیامبر

روایات تاریخی می‌رساند، اکثر مردم مکه تجارت پیشه و اهل مدینه زراعت کار بودند؛ پس اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نیز مصروف تجارت بودند؛ جد بزرگ آن حضرت، هاشم برای اولین بار مردم را انسجام داده به فعالیت‌های تجارتي تابستانی و زمستانی تشویق کرد، خودش نیز در یکی از سفرهای تجارتي که طرف شام داشت، وفات یافت. گفته شده که همچنان پدرشان عبدالله در یک سفر تجارتي در مدینه درگذشت و در خانه «نابغه الجعدي» دفن گردید. همچنین کاکای آن حضرت ابوطالب نیز با معیت پیامبر که در آن زمان (۱۲) سال داشت، طرف شام سفر بازرگانی داشتند؛ که با بحیرا راهب نصرانی رو برو شدند. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم جوان (۲۵) ساله شد، با سرمایه خدیجه به سوی شام سفر تاریخی خویش را انجام داد که به عنوان مفیدترین سفر در تاریخ ثبت شده است (مبارکپوری: ص. ۶۱). با استناد به این تحقیق، می‌توان خاندان پیامبر را خاندان تجارت پیشه لقب داد. مورخین نگاشته‌اند که رسول خدا بعد از نبوت، سفر خارجی نداشته است؛ البته به خاطر جهاد و تبلیغ در حدود عربستان مثل طایف، خیبر و تبوک؛ و از سوی هم تا مرز جزیره‌العرب بیرون رفته‌اند؛ اما رسول خدا صلی الله علیه و سلم کسبه کاران و فعالان بازار را محبوبان خدا معرفی نموده، امت را به کار و فعالیت فراخوانده است.

«وَفِي الْخَبْرِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ (غزالی، ج. ۲، ص. ۶۱). ترجمه: خداوند مؤمن شاغل و صانع را دوست دارد. پس سفرهای تجارتي و فعالیت‌های روزمره، یکی از اسباب زندگی افراد هر جامعه به حساب می‌رود. حتی ابتکار یعنی هر فعالیت را در آغاز روز انجام دادن و کالاهای را در اول روز وارد بازار کردن، بابتی را در کتب حدیث به خود اختصاص داده است؛ که پیامبر صلی الله علیه و سلم در حق مبتکرین دعای برکت نموده، فرمودند: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا» (الترمذی، ج. ۳، ص. ۷۰). ترجمه: الها! در فعالیت‌های آغازین امتم برکت بده. هم‌چنان عملاً شخص رسول خدا صلی الله علیه و سلم وقتی مجاهدین را تجهیز می‌کردند، در اول روز می‌فرستادند؛ پس راوی حدیث صخر غامدی فرد تاجر بود، اموال تجارتي‌اش را در آغاز روز وارد بازارها می‌کرد، بدین ترتیب سود زیاد برد و ثروتمند شد. تن‌پروری، بیکاری و مفت‌خوری در اسلام قبیح و زشت تلقی گردیده است. عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از کسانی که تنبل هستند و در پیشبرد امور دنیوی و اخروی خود تلاش نمی‌کنند، ابراز تنفر کرده است (الطبرانی، ج. ۹، ص. ۱۰۲).

تجارت و انبیای کرام

منابع مالی بعضی از انبیای کرام مثل حضرت هود، صالح، یوسف و هارون علیهم السلام تجارت بوده است. داود علیه السلام صنعت آهنگری داشت و زکریا علیه السلام نجار بود؛ این چنین اصحاب،

ائمه کرام و بسیاری از بزرگان دین از راه تجارت و صنعت امرار معاش می کردند.

تجارت و ائمه کرام

علامه سمعانی در شأن ابوحنیفه رحمه الله علیه می نویسد: امام باوجود تبحر علمی در متون و نصوص اسلامی، پارچه فروشی می کرد؛ تا از این جهت روزی حلال کسب نماید (السمعانی، ج. ۵، ص. ۱۱۱). امام مالک بزاز، سرخسی، بزدوی و حلوانی داد و ستد حلوا را می کردند؛ ابو محمد عبدالله بن محمد اصفهانی شخصیت شهیر دینی، لبنیات فروشی می کرد. ابوالقاسم بقال اصفهانی استاد خطیب بغدادی، سبزی فروش بود (الذهبی، ج. ۱، ص. ۲۱۴).

حیثیت شرعی تعامل با غیرمسلمانان

فقههای کرام می فرمایند: معاملات تجارتي از جهت اینکه از قبیل ضروریات دنیوی محسوب می شود، پس هیچ مذهبی، مسلمان بودن بایع یا مشتری را در صحت بیع، شرط ندانسته است؛ در نتیجه، چنانکه هر بیعی جامع الشرایط طرفین آن مسلمان باشند، درست است؛ این چنین بیع واجد الشرایط در صورتی که با غیر مسلمانان منعقد گردد، نیز جایز می باشد (الکاسانی، ج. ۴، ص. ۷۵). استدلال فقههای کرام، اطلاق آیه شریفه (۲۷۵) سوره بقره است که می فرماید: «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا». ترجمه: در حالیکه خداوند متعال خرید و فروش را حلال و ربا خواری را حرام کرده است (عثمانی، ج. ۲، ص. ۴۱۴). آیه کریمه دروازه جواز بیع را بدون قید و شرط اسلام و ایمان، برای تمام بشریت باز کرده است. از سوی دیگر یکی از حکمت های مشروعیت خرید و فروش، رفع حاجات است؛ که در این حکمت مسلمان و غیرمسلمان برابرند؛ بنابراین بدون دلیل و مانع شرعی، ممنوع نخواهد شد. در این قسمت، روایت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها نیز قابل ذکر است که می فرماید: «قَالَتْ تُوفِّيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَدَرَعُهُ مَرْهُونَةٌ عِنْدَ يَهُودِيٍّ بِثَلَاثِينَ يَعْني صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ» (بخاری، ج. ۴، ص. ۱۶۲). ترجمه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در حالی وفات یافتند که زره ای شان در نزد یهودی، در عوض سی صاعی از جو، گرو بود. در حدیث عبدالرحمن ابن ابی بکر رضی الله عنهما آمده است: «جَاءَ مُشْرِكٌ بِعَنَمٍ فَأَشْتَرَى رَسُولُ اللَّهِ مِنْهُ شَاةً، وَأَشْتَرَى مِنْ جَابِرٍ بَعِيرًا» (بخاری، ج. ۲، ص. ۱۸). ترجمه: پیامبر خدا از مشرکی گوسفند و از حضرت جابر شتر خریدند. امام نووی اجماع امت اسلامی را در پیرامون بیع و شراء با اهل ذمه در صورتی که حرمت مبیعه شان یقینی نباشد - ادعا کرده است (نووی، ج. ۲، ص. ۴۰).

شایان ذکر است که در برخی معاملات با کفار احتیاط لازم است مانند: فروختن مصاحف و سایل نظامی و تسلیحاتی.. اما داد و ستد الکول، خنزیر، بت ها و سائر محرّمات شرعی، نظر به دلالت آیه ذیل اتفاقاً حرام می باشد. الله متعال در آیه (۹۰) سوره مبارکه المائدة می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ» ترجمه: ای ایمان داران!

جز اين نيست که شراب، قمار، بت‌ها و تيرها همه پليدند و از کارهاي شيطان به شمار مي‌آيند از آنان اجتناب کنيد تا نجات يابيد (عثماني، ج. ۴، ص. ۵۱۰).

اسلاف، الگوي ما، در تجارت

برخي‌ها گمان دارند که گويا مال و متاع دنيا قبيح است، درحالي که به تعبير مولاناي بلخي دنيا در حد وسيله‌اي باشد؛ مقصود اصلي رضايت خدا و آخرت بوده باشد؛ مشکلي ندارد. به قول مولاناي بلخي آب در کشتي هلاک کشتي است آب اندر زير کشتي پستي است.

بلي اگر آب داخل کشتي بيابد باعث هلاکت اصحاب کشتي مي‌گردد و آنان را از مقصد منحرف مي‌کند؛ اين چنين محبت دنيا وارد دل‌ها شده نصب العين ما قرار گيرد؛ در آن وقت ما را از هدف واقعي (آخرت) غافل خواهد کرد.

چيست دنيا از خدا غافل شدن ني قماش و نقره و فرزند و زن.

پس روش اسلافمان را الگو قرار داده مطابق مقوله «دست‌به‌کار، دل به يار» زندگي کنيم ان شاءالله موفق خواهيم شد. لهنذا به‌طور نمونه به ذکر تعدادي از اسلافمان مي‌پردازيم که عملاً در امور تجارت مشغول بودند و در اين مسير الگوي ما هستند:

يکي از اين بزرگ‌مردان، صحابي جليل القدر رسول خدا، عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه است. عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه ثروتمندترين صحابه بود؛ دل دريا داشت حقوق مالي را زياد مراعات مي‌کرد تا اينکه در ميان مردم ملقب به تاجر الرحمن گرديد؛ علامه مناوي رحمه الله مي‌نويسد: هدف ابن عوف از انتقال اسباب در شهرها خوشحالي مردم بود مي‌خواست از اين رهگذر رضايت خدا و خدمت خلق را به دست بياورد (المناوي، ج. ۳، ص. ۵۷۳). حضرت عبدالرحمن ابن عوف رضی الله عنه در وقت افطار انواع طعام را در سفره مشاهده مي‌کرد؛ از فرط تقوا و همچنان غربت و فقر اصحاب را به ياد آورده مي‌گريست؛ بدون تناول، سفره جمع مي‌شد! در اخير زندگي اش باغي که (۴۰۰۰۰) دينار ارزش داشت را، در خدمت ازواج مطهرات وصيت نمود (عويضه، ص. ۵۶۵).

سعد بن عايد رضی الله عنه مؤذن مسجد قبا و مسجد نبوي، در حضور آن حضرت از تنگدستي شکايت کرد؛ رسول خدا صلی الله عليه و سلم تجارت پوست درخت قرظ را پيشنهاده کرد؛ ايشان از اين مدرک ثروتمند شد تا اينکه به سعد القرظ شهرت يافت (عسقلاني، ج. ۳، ص. ۵۴).

مقدم ابن معدیکرب رضی الله عنه شير فروش بود روزي کسي تحقيري کرد در جواب فرمود: بلي من مشغول همين کار هستم، از رسول خدا شنيدم، روزي بالاي مردم فرامي‌رسد که غير از درهم و دينار چيزي ديگر درد بخور نخواهد بود (ابن حنبل، ج. ۱، ص. ۱۷۲۰).

عالم بزرگ ابوبکر عبدالله بن احمد القفال الصغیر المروزی (المتوفی ۴۱۷ ق)، کار و بار قفل را می‌کرد. در تهیه قفل و کلید مهارت زیاد داشت حتی قفلی ساخته بود که در وزن چهار حبه بود، این صنعت را تا (۳۰) سالگی ادامه داد؛ بعد از آن رو به تحصیل آورد تا اینکه در فقه شافعی انگشت نما گردید (سمعانی، ج. ۱۰، ص. ۲۱۱).

در اسمای مبارک برخی از محدثین و علمای کرام نسبت‌هایی می‌آید؛ گاهی نسبت به نسب گاهی به وطن و احياناً به کسب و کارشان منسوب شده‌اند؛ مثل بزاز، زیات، طحان، حداد، سمان که همه شان در پهلوی خدمات دینی در امور دنیوی شان نیز رسیدگی می‌کردند. «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ...» (النور: ۳۷). ترجمه: مردانی بودند که مشاغل تجارتي، مانع بندگی شان نمی‌شد!

در واسط تاجری بود که یک کشتی محموله را جهت فروش در بصره فرستاد، تأکید کرد بدون درنگ فروخته شود؛ زیرا خطر بالا رفتن نرخ وجود داشت؛ اما مشاورین، وکیل را قانع کردند تا روز جمعه تأخیر کند، دوچند نفع خواهد کرد؛ وقتی که روز جمعه در بازار عرضه کردند؛ واقعاً دو برابر سود به دست آمد؛ صاحب مال از قضیه آگاه شد حکم داد که رأس المال با سودش، در فقرای بصره تقسیم شود (غزالی، ج. ۲، ص. ۹۳).

خواننده عزیز! حکایات مذکور نقشه زیبایی برای تجارت پاک را ترسیم می‌کند و می‌رساند که غرض از تجارت صرف جمع‌آوری ثروت نیست؛ بلکه دعوت عملی به سوی خدمت‌رسانی و خیرخواهی امت است.

مسئولیت تجار مسلمان

مطابق رهنمایی قرآن کریم، حکمت از خلقت انس و جن عبادت خداست؛ در فقه اسلامی، غالباً طهارت شرط اساسی عبادات تلقی شده است. مثلاً: نماز، تلاوت، مراسم عمده حج و... همه وقتی به تکامل می‌رسند که با طهارت انجام داده شوند. در آیه کریمه (۵۱) سوره المؤمنون می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا». ترجمه: ای رسولان، پاکیزه بخورید، سپس اعمال صالحه انجام دهید!

اول ای جان دفع شر موش کن بعد از آن در جمع گندم کوش کن

با در نظر داشت این مقدمه، مسئولیت تجار مسلمان، بس خطیر و سنگین می‌شود؛ چون سرنوشت تمام مردم به تعامل آنان گره خورده است. اگر آنان در امور تجارتي غفلت و سهل‌انگاری کنند، خوراک، پوشاک، همه داشته‌های مردم ملوث می‌شود، در نتیجه تمام اعمال و عبادات مسلمانان ضایع خواهد شد. با ملاحظه همین برجستگی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم تجار صادق، امین را جنتی و محشور با انبیاء، شهدا و صدیقین قلمداد کرده می‌فرماید: «التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّ وَالصِّدِّيقِينَ

وَالشُّهَدَاءِ» (دارمی، رقم ۲۵۳۹). ترجمه: بازرگان راستگو، امانت‌دار، در روز قیامت، در معیت پیامبران، صدیقان و شهیدان خواهد بود. همچنان امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه از تشبیهات تجار جاهل و بی‌علم در بازارها جلوگیری کرده می‌فرماید: «لَا يَبِيعُ فِي سُوْقِنَا إِلَّا مَنْ تَفَقَّهَ فِي الدِّينِ» (ترمذی، رقم ۴۸۷). ترجمه: هرکس در امور تجارت، علم و پختگی نداشته باشد، وارد بازار ما نشود.

به همین اساس، شارحان در توجیه حدیث معروف «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» می‌نویسند: اگر می‌خواهید وارد هر کاری شوید، لزوماً قبل از همه، علم آن را بیاموزید مثلاً: جوانی می‌خواهد که ازدواج کند؛ لازم است اولاً علم نکاح و مسائل مرتبط به آن را یاد بگیرد. هکذا مسلمانی ارادهٔ تجارت را دارد باید در پیرامون بیع و شراء، سود و سَلَم معلومات کافی داشته باشد؛ تا از یک طرف از وقوع در معاملات حرام، نجات یابد؛ و از سوی دیگر در پهلوی تجارت، با اغتنام از فرصت، دعوت عملی اسلام را نیز داشته باشد.

راه‌های دعوت در اسلام

مورخین می‌نویسند: اسلام با سه روش یا سه گونه مردم در گوش جهانیان رسیده و گسترش یافته است:

- دعوت و تبلیغ علماء و دعوت‌گران؛
- جهاد و مبارزه پادشاهان و مجاهدین؛
- گسترش دین ذریعهٔ تاجران مسلمان. مثلاً: به اثر تلاش تجار مسلمان برای اولین بار اسلام در ممالک اندونزی، مالزی، فلپین، هند، چین، نایجیریا، سومالیا، کشورهای ترکستان شرقی و بالکان رسید. در ایام گذشته، هر مسلمانی طی هر نام و نشانی وارد هر منطقه می‌شد؛ یکی از مقاصد او ابلاغ اسلام بود. او با عمل، اخلاق، امانت‌داری خود، مردم را به اسلام فرا می‌خواند. در ظاهر، کار دنیوی را می‌کرد، اما در واقع یک وجیه دینی را ادا می‌نمود. چنانچه امروز دنیای مسیحیت، در نقاب تجارت، سیاحت، مساعدت و غیره دارند تبلیغ نصرانیت را به پیش می‌برند. لهذا بسیار زینده خواهد بود، تجار مسلمان بیدار شوند و با استفاده از فرصت، گام‌های مفید بردارند و در راه گسترش اسلام دعوت‌های عملی بکنند.

نقش سفرهای تجارتي در دعوت اسلامي

برخی‌ها بر این نظرند که ساکنان شبه جزیره به ویژه حجاز (با در نظر داشت مسائل آب و هوا و جغرافیایی) در فعالیت‌های تجارتي مصروف بودند؛ با آمدن اسلام، تمدن و شهرنشینی ایجاد گردید. همین شهرنشینی باعث شد که آنان در شبه قارهٔ هند، اکثراً ساکنین شهرها شده، به نشر دین اسلام در میان شهر نشینان پرداختند. گرچه این پندار در مورد گسترش اسلام در سواحل جنوبی و غربی هند تا

جایی صدق دارد؛ ولی اسلام و مسلمانان را نباید محصور به شهر کرد؛ اسلام دینی است که شهرها و روستاها را تحت تأثیر خود قرار داده، تمدن‌های ایران، روم و یونان را جذب و هضم کرد.

تجارت و دعوت در شبه قاره هند

در خصوص هند باید گفت: در قدم اول تجار مسلمان در اشاعه اسلام در هند نقش بارزی ایفا کردند؛ بلی در مرور زمان، عرفاء، صلحاء و دانشمندان از طریق تعامل علمی، فرهنگی و ادبی در درک متقابل جامعه اسلامی و هند خدمات چشمگیری انجام دادند. «مجومدار» یکی از محققان هندی، آمار هندی‌هایی را که هر سال ذریعه تجارت، به اسلام گرویده شده‌اند. (۵۰۰۰۰) تخمین کرده است. پس از فتح سند، مهاجرت تجار، اعراب به اراضی هند گسترده شد (مبارکپوری، ج. ۱، ص. ۱۴).

تاجران، حاکم شهر عسیفان شمال سند را به اسلام مشرف ساختند؛ ساحه دعوت تاجران مسلمان، غالباً مناطقی بود که در شاهراه‌های تجارتی قرار داشت که از مالابار تا کشمیر امتداد پیدا می‌کرد. مردم قریه‌جات و دهاقین زیادتر به وسیله تعلیم علماء و صوفیان، با اسلام آشنا شدند. برخی مورخین گفته‌اند؛ نظامی‌های مسلمان زیادتر مشغول حفظ سنگرها و بندرها بودند؛ این تاجران مسلمان بودند که با کالاهای تجارتی‌شان فرهنگ، عقیده و تفکرات اسلامی را به سرزمین هند آوردند؛ دسته‌های مختلف مسلمانان از طریق ازدواج، با فرهنگ و زبان آنان آشنا شده، تحت تأثیر اندیشه‌های مذهبی خود قرار دادند و قرآن کریم را برایشان ترجمه کردند (مبارکپوری، ج. ۱، ص. ۱۴).

استقرار تجار مسلمان در بنادر هند

بندرهایی که مسلمانان به‌ویژه تجار در آن اقامت داشتند؛ می‌توان به «تیز، دیبل، عسیفان، اسیوان و...» اشاره کرد. در باره بندر صیمور یا چیمور که در نواحی بمبی فعلی قرار دارد، مسعودی که در سال ۳۰۴ ق. از ین شهر دیدن کرده است می‌گوید: «ده هزار مسلمان اینجا سکونت دارد» از جمله تاجران معروف و مسلمان این شهر، می‌توان از ابوسعید بن زکریا و موسی بن اسحاق که در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری، می‌زیسته‌اند، نام برد (مبارکپوری، ج. ۲، ص. ۲۱).

مجمع الجزایر مالایا، مرکز توجه تجار مسلمان

مجمع الجزایر مالایا (جزایر بین هند و چین و استرالیا) نسبت داشتن موقعیت خاص جغرافیایی، در ادوار تاریخ مطمح نظر جهانیان بوده است. پس از طلوع خورشید اسلام، اهمیت ترانزیتی این مجمع که بر سر راه چین و شرق آسیا قرار داشت و کثرت ادویه‌جات در جاوه و سوماترا، توجه تجار مسلمان را به خود جلب کرد. پس با استفاده از فرصت تجار مسلمان، مانند مبلغان اسلام ایفای وظیفه کردند؛ فرهنگ و تمدن مجمع الجزایر مالایا همانند بقیه مناطق دنیا، تحت تأثیر مهاجرت اقوام مختلف به ویژه، تجار قرار داشته است. سال‌ها از اسکان هندی‌ها متأثر شده، فرهنگ آمیخته هندی و مالایی در جامعه

حاکم شده بود؛ تجار مسلمان کالاهاى چون: فلفل، کافور، میخک، عاج سفید، مشک و ادویه جات و گیاهان داروی و خوراکی را داد و ستد می کردند و از این طریق سود زیاد به دست می آوردند (یاری، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۷).

چگونگی تبدیل شدن سفرهای تجارتي به تبادل افکار

پرسش اساسی این است که مراودات تجارتي چگونه منجر به تبادل فرهنگي شد؟ بلی بدون تردید مسافرت های طولانی توأم با ملاقات و نشست ها تأثیر مهم در تبادل فرهنگي دارد؛ آنچه تجربه دوران سفرهای تاریخی نشان داده این است که در صورت عدم سایر مشترکات، تنها موضوع تجارت، یگانه وسیله ربط و شناسایی در میان مسافرین و مهاجرین و مردم بومی منطقه، بوده است. به همین اساس، برجسته ترین روابط میان آسیا و اقیانوس هند، همان مناسبات تجارتي تلقی شده است؛ به نظر می رسد که انتقال دین، مذهب، فرهنگ نیز از همین رهگذر صورت گرفته باشد؛ یونسکو در گزارشی نوشته است: اسلام از گذرگاه تجارت به قاره آسیا رسید و با سرعت در این قاره گسترش یافت. گزارش مذکور جاده ابریشم را مسیر مهم برای انتقال فرهنگ و مذهب خوانده، آن را پلی رابط میان شرق و غرب آسیا دانسته است. اسلام بعد از آنکه در قرن هفتم میلادی در شبه جزیره عربستان سعودی ظهور کرد، مسلمانان با داشتن استعداد های تجارتي و فرصت های عالی سفري، توانستند تجارت شرق - غرب جاده های ابریشم دریایی را از خلیج فارس تا چین در انحصار خود در آورند. کشتی های تجارتي آنان در بندرها مختلف توقف می کرد؛ تا اینکه باد به سوی مقصد وزد؛ یا مواد غذایی شان را تهیه و تدارک کنند. بالاخره در نتیجه همین تعاملات، اسلام در شبه قاره هند، چین، مالیزیا، جزایر جنوبی اندونیزیا و سراسر آسیای مرکزی و جنوب شرقی گسترش یافت. تاجران مسلمان با عبور از این جزایر، در بندر های چین می رسیدند، با این حال در کشورهای آسیا، آداب اسلامی منتشر گردید و تدریجاً مردم در قالب امت واحد اسلامی درآمدند. کشورهای آسیای میانه زیر حاکمیت اسلامی قرن ها به عنوان بنگاه فرهنگي و مارکیت تجارتي شناخته می شدند؛ ماوراءالنهر در دوران خلافت عباسی ها در قرون هشت و نه، بازیگر مهم منطقه به شمار می رفت و در واقع دوران طلایی خود را تجربه می کرد (شبستان نور، ۱۳۸۶، ص. ۱۳).

نقش تاجران مسلمان در ماوراءالنهر

تحقیق و توجیه فقهاء و علمای ماوراءالنهر در مسائل پیچیده فقهی تا امروز قابل توجه درسگاه های اسلامی بوده است. بخارا در عرصه های مختلف با بغداد، مصر، قرطبه و ... رقابت داشت. وضعیت جدید معنوی و سیاسی اسلامی در آسیای میانه، پیشرفت فرهنگي و تکنولوژیکی جدید را رقم زد که دانشمندانى مثل خوارزمی، ابوریحان، فارابی، ابوعلی سیناها را به جهان تقدیم کرد. به نوشته برخی تاریخ نویسان، ورود دین مقدس اسلام در سرزمین های چین به پیش از (۶۵۰) میلادی بازمی گردد. مسجدهای

«شی آن» و «هواشنگ» قدامت (۱۳۰۰) ساله دارد که اغلب آن‌ها با دستان تاجران مسلمان ساخته شده است (همان، ۱۳۸۶).

توصیه‌هایی به تجار مسلمان

گفته شد که تجار مسلمان مسئولیت بس خطیر دارند، سرنوشت امت اسلامی در تجارت آنان وابسته است. اسلام دستور داده است که همانندی که کفار با هماهنگی وارد پیکار با مسلمین شده‌اند؛ مسلمانان نیز حرکت بالمثل انجام دهند، همه اقشار و اصناف امت اسلامی از زاویه‌های مختلف با در نظر داشت استعداد و ظرفیت‌ها، وارد صحنه شوند.

دشمن غالباً از سه طریق در ممالک اسلامی هجوم می‌آورند:

- تهاجم فرهنگی؛
- تهاجم نظامی؛
- تهاجم اقتصادی.

جامعه اسلامی نیز از علماء، مجاهدین، تاجران و ثروتمندان، ترکیب یافته است.

پس باید در مقابل لشکر مثلث دشمن، سنگرهای سه‌گانه ذیل تنظیم شود:

- سنگر فرهنگی که پاسدارانش دانشمندان، علماء و اهل خبره باشند؛
- سنگر جنگی که مجاهدین مراقبت کنند؛
- قرارگاه اقتصادی که تجار مسلمان پاسبان آن باشند (القرطبی، ۷، ص. ۲۵۳). تا اینکه امت به معنای واقعی امت واحده شده، در مقابل هرگونه تحرکات دشمن بایستند و مصداق «كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ» قرار گرفته، عزت و حکمت گمشده‌شان را در یابند.

سخن آخر به تجار مسلمان

شبهه‌های تبشیری و تنصیری، با حمایت مالی کلیسا، حرکتی را بنام غزو المقنع یا جنگ نقاب‌دار، راه‌اندازی کردند؛ که زیر نقاب‌های تجارت، زراعت، حقوق بشر، حقوق زن، حقوق اطفال و... شب و روز دارند در جهت تنصیر، تضلیل و تخریب امت اسلامی تلاش می‌کنند. پس برای مسلمانان به‌ویژه تجار لازم است که فرصت را از دست نداده، زیر نقاب سفرهای تجارتنی‌شان در ترویج عقیده و اخلاق اسلامی همت کنند.

نتيجه‌گيري

در بجاوۀ تحقيق موضوع، مضامين ذيل در منصۀ ظهور نشست:

- سفرهای تجارتي در ممالک غير اسلامي مشروع و جايز بوده است؛
- در مناطق وسيعي از جهان، توسط تجار مسلمان چراغ اسلام روشن گرديده است؛
- تجارتي فرصت و بستر مناسب براي دعوت اسلامي قلمداد گرديد؛
- تحقيق مذکور ثابت کرد که مسؤليت تجار مسلمان سنگين بوده است؛
- تحقيق خاصر، ثابت ساخت که سفرهای تجارتي به عنوان وسيلۀ سوم براي گسترش اسلام در جهان، از اهميت ويژه‌ي برخوردار بوده است.

پشهادها

در اخير خدمت خوانندگان گرامي سفارش‌ها و پشهادهايي دارم: اميدوارم با تعميل آن، مجدداً تجار مسلمان، مقام شامخ و هدف گمشده‌اش را دريابد:

- تمام متشبين تجارتي قدر ضرورت علم معاملات و تجارتي را فراگيرند؛
- تجار و كسبه كاران، آداب و اخلاق سفر و تجارتي را در عمل پياده كنند؛
- تجار مكلفيت و مسؤليت‌هاي ديني، اخلاقي و وجداني خويش را احساس نمايند؛
- فرصت دست داشته‌شان را غنيمت شمرده وقت و مالشان را ضايع نكنند؛
- از حقوق واجبه و نافله مالي، غافل نباشند.

مآخذ

القرآن الكريم.

البخاري، محمد بن إسماعيل. (۱۴۲۲ق.). *صحيح البخاري*، تحقيق مصطفى البغا، بيروت: دار ابن كثير.

البخاري، محمد بن إسماعيل. (بي تا). *الأدب المفرد*، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار البشائر الإسلامية.

الأصفهاني، الحسين. (بي تا). *تفسير الراغب*، طهران: جامعة طهران.

البغدادي، زين الدين. (۱۴۲۴ق.). *جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم*، تحقيق محمد الأحمد، القاهرة: دار السلام.

البهقي، أحمد بن الحسين . (بى تا). السنن الكبرى، بيروت: دار الكتب العلمية.

البغوي، الحسين بن مسعود. (بى تا). معالم التنزيل، الرياض: دار طيبة.

الترمذي، محمد بن عيسى. (بى تا). الجامع الكبير (سنن الترمذي)، تحقيق شعيب الأرنؤوط، دار الرسالة العالمية.

الجوزجاني، سعيد بن منصور. (بى تا). سنن سعيد بن منصور، تحقيق حبيب الرحمن الأعظمي، الهند: الدار السلفية.

الحنبلي، عبد الرحمن بن رجب. (بى تا). جامع العلوم والحكم، الرياض: دار السلام.

الحميري، عبد الملك بن هشام. (بى تا). السيرة النبوية، تحقيق مصطفى السقا وآخرون، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

الدارمي، عبد الله بن عبد الرحمن. (بى تا). سنن الدار، بيروت: دار الكتاب العربي.

الدمشقي، إسماعيل بن كثير. (بى تا). تفسير القرآن العظيم، مصر: مؤسسة قرطبة.

الدمشقي، علي بن الحسن (ابن عساكر). (بى تا). تاريخ دمشق، بيروت: دار الفكر.

الذهبي، محمد بن أحمد. (بى تا). سير أعلام النبلاء، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة.

الذهبي، محمد بن أحمد. (بى تا). العبر في خبر من غير، بيروت: دار الكتب العلمية.

السجستاني، عبد الله بن سليمان. (بى تا). كتاب المصاحف، تحقيق آرثر جفري، القاهرة: دار الفاروق.

السمعاني، عبد الكريم بن محمد. (بى تا). الأنساب، بيروت: دار الجنان.

السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر. (بى تا). الإتيقان في علوم القرآن، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

الشياني، أحمد بن حنبل. (بى تا). مسند الإمام أحمد، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة.

الشياني، أحمد بن حنبل. (بى تا). كتاب السنة، بيروت: المكتب الإسلامي.

الطبراني، سليمان بن أحمد. (١٤٣٣ق.). المعجم الكبير، القاهرة: مكتبة ابن تيمية.

- الطبري، محمد بن جرير. (بی تا). جامع البيان عن تأويل آي القرآن، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- العسقلاني، أحمد بن علي (ابن حجر). (بی تا). الإصابة في تمييز الصحابة، بيروت: دار الكتب العلمية.
- العبيسي، عبد الله بن محمد. (بی تا). المصنف في الأحاديث والآثار، تحقيق كمال يوسف الحوت، الرياض: مكتبة الرشد.
- الغزالي، محمد بن محمد. (بی تا). إحياء علوم الدين، بيروت: دار المعرفة.
- القرشي، إسماعيل بن كثير. (بی تا). البداية والنهاية، القاهرة: دار هجر.
- القرطبي، محمد بن أحمد. (بی تا). الجامع لأحكام القرآن، القاهرة: دار الكتب المصرية.
- القرظيني، محمد بن يزيد. (بی تا). سنن ابن ماجه، القاهرة: دار إحياء الكتب العربية.
- القشيري، مسلم بن الحجاج. (بی تا). صحيح مسلم، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- الكاساني، علاء الدين أبو بكر. (بی تا). بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت: دار الكتب العلمية.
- المباركفوري، صفي الرحمن. (بی تا). الرحيق المختوم، الرياض: دار السلام.
- المنائي، عبد الرؤوف. (بی تا). فيض القدير، بيروت: دار المعرفة.
- النسائي، أحمد بن شعيب. (بی تا). سنن النسائي، حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية.
- النیشابوري، محمد بن عبد الله (الحاكم). (بی تا). المستدرک على الصحيحين، بيروت: دار الكتب العلمية.
- المهروي، القاسم بن سلام. (بی تا). فضائل القرآن. بيروت: دار ابن كثير.
- دهلوی، شاه ولي الله. (۱۳۸۶ ق.). حجة الله البالغة (ترجمه حسين پور). ايران: انتشارات شيخ الاسلام احمد جام.
- عثماني، محمد شفيح. (بی تا). معارف القرآن، كراچی: دار العلوم.
- غبار، غلام محمد. (بی تا). أفغانستان در مسیر التاريخ، كابل: انتشارات اميری.
- مباركپوری، عبد الحفيظ. (بی تا). رجال السنډ والهند، بمبئی: الميمنين.
- مباركپوری، عبد الحفيظ. (۱۹۷۳ م.). العرب والهند في عهد الرسالة، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
-

مولوی، جلال الدین محمد بلخی. (بی تا). *مثنوی معنوی* (تصحیح محمد فروزانفر). تهران: امیرکبیر.

مجموعه من المؤلفین. (بی تا). *الموسوعة الفقهية الكويتية*، الكويت: وزارة الأوقاف.

مؤسسه خبرگزاری شبستان نور. (۱۳۸۶). تهران.

لاهوري، محمد إقبال. (بی تا). *کلیات إقبال*، لاهور: شیخ غلام علی.

ندوی، أبو الحسن علی. (بی تا). *تاریخ الدعوة والإصلاح*، دمشق: دار القلم.

یاری، سیاوش. (۱۳۹۰). *عوامل مؤثر در نشر و گسترش اسلام در مجمع الجزایر مالایا*، فصلنامه علمی تاریخ اسلام.
